

بررسی تطبیقی تفسیر مهم‌ترین آیات ناظر بر ولایت امام علی × از منظر فریقین*

□ علیرضا طیبی**

□ اصغر طهماسبی بلداجی***

□ محمد تیموری***

چکیده ۱

مسئله جانشینی پیامبر اکرم^۱ از مهم‌ترین مباحث اعتقادی - کلامی در بین مسلمانان از همان آغاز بوده است. اندیشمندان مذاهب برای اثبات عقاید خود به ادله‌ای استناد جست‌اند. در این میان، اندیشمندان شیعی برای باورند که قرآن به عنوان نقطه عطف اشتراک فریقین و تمییز حق از باطل مطالبی را به صورت کلی اما محکم بیان فرموده است. بر این اساس، خداوند پیرامون جانشینی پس از پیامبر اکرم^۲ آیاتی نازل فرموده است. در این باره می‌توان به آیات ولایت، تبلیغ، اکمال دین، مباحله، تطهیر، بینه، یک و آیات دیگر اشاره کرد. شأن نزول آیات مذکور در منابع شیعه و برخی از مهم‌ترین منابع اهل سنت در شأن ولایت امام علی × بیان شده است. جستار پیشرو مهم‌ترین آیات ولایت را بررسی تطبیقی می‌کند و دیدگاه مخالفان را طرح و نقد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، روایات، آیات ولایت، فریقین، امام علی ×.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۸/۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۰/۹.

*. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (a-tabibi@araku.ac.ir).

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان (نویسنده مسئول)
tahmasebiasghar@yahoo.com.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (phd.m.teymoori@gmail.com).

طرح مسئله

از سؤالات مهم دربارهٔ جانشینی پیامبر اکرم| این است: آیا در قرآن کریم به مسئلهٔ جانشینی پس از پیامبر اکرم| اشاره شده است؟ اگر اشاره شده، چرا به صراحت نام جانشینان ایشان ذکر نشده است؟ سابقهٔ این پرسش به همان قرون اولیه بر می‌گردد (کلینی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۶). با تبیین صحیح پاسخ این سؤالات، اختلافات بسیاری در این مسئله رخت بر می‌بندد. قرآن کریم به عنوان کتابی جامع و جاودان تمام مواردی را که انسان‌ها جهت رسیدن به سعادت و کمال به آن نیاز دارند، بیان فرموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹). تبیین آن موارد نیز بر عهده پیامبر اکرم| بوده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). جانشینی پس از پیامبر اکرم| یکی از مهم‌ترین اصولی است که قرآن به آن اشاره کرده و پیامبر اکرم| به صورت جامع به تبیین آن پرداخته است که آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم| ناظر بر این مهم است. با در نظر گرفتن اصل کلی‌گویی قرآن کریم، این مطلب استنباط می‌شود که قرآن کریم به گونه‌ای صریح به این مسئله پرداخته و تبیین کامل آن را بر عهدهٔ پیامبر اکرم| نهاده است. شاهد بر این مدعا بسیاری از احکام و معارف اسلامی است که به طور کلی بیان گردیده، اما جزئیات و حتی ضامن اجرایی آن در قرآن کریم بیان نشده است. نماز، روزه، زکات و حج از مهم‌ترین ارکان دین‌اند که جزئیات تفصیلی آن‌ها در قرآن کریم نیامده است اما پیامبر اکرم| این موارد را تبیین نموده است. پیرامون جانشینی پس از پیامبر اکرم| نیز این قضیه صدق می‌کند، به گونه‌ای که آیات و روایات متعددی بر این مطلب مهر تأیید می‌زنند. فارغ از تبیین کامل امر ولایت و جانشینی توسط پیامبر اکرم|، آیات متعددی در این باره نازل شده است که در منابع معتبر فریقین، شأن نزول این آیات در مورد ولایت امام علی^x است. علاوه بر این، پیامبر اکرم| در مواضع گوناگون به امر خداوند، در بین عام و خاص به معرفی امام علی^x و ائمه[^] پس از ایشان به عنوان جانشینان خود می‌پردازد تا حجت بر بندگان تمام شود. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای، با بررسی اجمالی سؤالات پیش گفته، آیات ناظر بر ولایت امام علی^x را با تأکید بر منابع مهم فریقین بررسی تفسیری و روایی می‌کند.

۱. چرایی عدم ذکر نام امام علی^x و ائمه[^] در قرآن

علت عدم تصریح نام جانشینان پیامبر اکرم|، یکی از مسائل مهم از همان آغاز بوده است که سابقهٔ طرح این پرسش به زمان معصومان[^] می‌رسد (کلینی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۶؛ عیاشی، ۱۴۲۱: ۱/ ۴۰۸). سؤال از این مسئله این‌گونه

مطرح می‌شود: با در نظر گرفتن «تبیاناً لکل شی بودن قرآن» و جامعیت این آخرین کتاب آسمانی، چرا به صورت آشکار نام جانشینان پیامبر اکرم| ذکر نشده تا عاملی در جهت یکپارچگی و اتحاد امت اسلامی باشد؟

فارغ از دیدگاه‌های نادرست تفریطی و افراطی (نوری، ۱۲۹۸: ۱۸۳) پاسخ‌های سنجیده‌ای از سوی برخی از اندیشمندان ارائه شده است. از جمله مواردی که آن را به عنوان دلیل عدم ذکر نام ائمه[^] بیان می‌کنند، کلی‌گویی قرآن کریم است. این دیدگاه مبتنی بر آیات و روایات است. بسیاری از مباحث اسلامی در قرآن کریم به صورت کلی ذکر شده است که جزئیات آن‌ها را پیامبر اکرم| بیان کرده است. این پاسخ در کلام امام صادق^x و امام باقر^x مشهود است. زمانی که از امام صادق^x درباره چرایی عدم ذکر نام ائمه[^] سؤال می‌شود این‌گونه پاسخ می‌دهند: «فقال فقولوا لهم نزلت الصلاة و لم یسم الله ثلاثاً و لا اربعاً حتی کان رسول الله هو الذی فسر ذلک لهم و نزلت علیه الزکاه و لم یسم لهم من کل اربعین درهما حتی کان رسول الله هو الذی فسر لهم» (کلینی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۶؛ عیاشی، ۱۴۲۱: ۱/ ۴۰۸). امام صادق^x با تبیین این نکته که همان‌گونه که بسیاری از مسائل مهم عبادی در قرآن بیان نشده و توسط پیامبر اکرم| روشن شده، امر ولایت و امامت نیز به همین صورت بوده است. امام باقر^x نیز در این باره می‌فرماید: خداوند به حضرت محمد| فرمان داد ولایت را برای آنان تفسیر کند، همان‌گونه که احکام نماز و روزه و زکات را تفسیر می‌کند. وقتی که این فرمان رسید حضرت دلتنگ و نگران بودند که نکند مردم از دینشان برگردند و ایشان را تکذیب کنند. حضرت به پروردگار رجوع کردند. پس خداوند چنین وحی کرد: ای رسول، آنچه را بر تو نازل شده، ابلاغ کن. (۱) سپس حضرت به فرمان خدا امر ولایت را آشکار ساخت (کلینی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۹؛ عیاشی، ۱۴۲۱: ۲/ ۶۴). بنابراین، در این دیدگاه نقش سنت در تبیین و توضیح مصادیق آیات حائز اهمیت است. در مبنای فکری - اعتقادی بسیاری از اهل سنت نیز دیدگاه سنت‌مداری و مبین بودن سنت برای قرآن دیده می‌شود. بر این اساس، برخی از محدثان اهل سنت تبیین و تخصیص و تقیید قرآن به وسیله سنت را پذیرفته‌اند و حتی از آن به عنوان اصل مهم یاد می‌کنند (شاطبی، ۱۹۹۷: ۴/ ۳۰۹ و ۳۱۰). برخی دیگر تا آنجا این مبحث را تقویت می‌کنند که قائل به نسخ قرآن به وسیله سنت‌اند (حکیم، ۱۹۷۹: ۲۴۵ و ۲۴۶). در منابع مهم اهل سنت اصلی درباره نقش سنت برای قرآن بیان شده است (دارمی، ۲۰۰۰: ۱/ ۴۷۳). برخی دیگر از علمای اهل سنت نقش تکمیلی را برای سنت بیان می‌کنند، به این معنا که برخی از مباحث در قرآن نیامده و سنت آن‌ها را تکمیل می‌کند (دینوری، ۱۹۹۹: ۱/ ۲۸۷). بنابراین، اصل مهم کلی‌گویی قرآن و تبیین سنت مورد اتفاق فریقین است. از منظر فریقین آیات متعددی (به صورت کلی) در وصف اهل بیت[^] و ولایت ایشان نازل شده که رسول گرامی اسلام| در مواضع گوناگون به طور کامل آن‌ها را تبیین و تفسیر کرده و جانشینان خود را

به دستور خداوند به مردم شناسانده تا حجت بر همگان تمام گردد؛ از جمله در حدیث معتبر و متواتر ثقلین (مسلم، بی تا: ۲ / ۱۸۷۳؛ ترمذی، بی تا: ۵ / ۶۶۳)، حدیث سفینه (زمخشری، ۱ / ۳۶۹)، در معرفی عددی ائمه^۱ (مسلم، ۳ / ۱۴۵۳؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۴ / ۵۰۱)، در معرفی صریح نام ائمه^۲ (خوارزمی، بی تا: ۱ / ۱۴۶) و در خطبه غدیر خم (امینی، ۱۳۹۷: ۱ / ۳۶-۳۱؛ ابن سعد، بی تا: ۲ / ۱۷۳).

۲. آیات قرآن ناظر بر ولایت امام علی^۳

با وجود عدم ذکر صریح نام امام علی^۳ و امامان پس از ایشان در قرآن، آیات متعددی درباره ایشان نازل شده است که پیامبر اکرم^۴ این آیات را تفسیر و تبیین نموده‌اند. در ادامه با تکیه بر منابع معتبر فریقین برخی از این آیات تحلیل و بررسی می‌شود.

آیه اول: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵).

از مهم‌ترین آیاتی که دلالت تام بر ولایت امام علی^۳ دارد، آیه ۵۵ سوره مائده، معروف به آیه ولایت، است. در این آیه خداوند مراتب ولایت را بیان می‌کند، به این صورت که ابتدا ولایت خداوند، سپس پیامبر اکرم^۴ و پس از آن ولایت کسانی را بیان می‌کند که ایمان آورده و در حال رکوع زکات می‌دهند. درباره مورد اول و دوم جای هیچ شک و تردیدی نیست. مناقشه مفسران فریقین پیرامون جمله «الَّذِينَ آمَنُوا» و پی‌جویی مصادیق یا مصداق اصلی آن است. تعیین مصداق جمله «الَّذِينَ آمَنُوا» ولی و سرپرست مسلمانان را پس از پیامبر اکرم^۴ مشخص می‌کند. برای تبیین تفسیر آیه مورد بحث، ابتدا باید شأن نزول آیه را دانست. مفسران شیعه به اتفاق شأن نزول آیه را درباره امام علی^۳ می‌دانند، به گونه‌ای که خبر نزول آیه درباره ایشان را متواتر دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۸۲؛ طبری، بی تا: ۱۹؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۷ / ۷؛ قطب راوندی، ۱۰۴۵: ۱ / ۱۱۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۲ / ۳۰؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۲). از امام باقر و امام صادق^۵ روایت شده که این آیه در شأن علی بن ابی‌طالب^۶ نازل گردید، در آن هنگام که در حال رکوع انگشتی خود را صدقه داد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۱۰). ابوالعباس احمد بن ابراهیم از علمای زیدیه نیز می‌نویسد: روایات متواتر که هیچ عذر و بهانه‌ای را برای کسی باقی نمی‌گذارد نشان می‌دهد که آیه درباره امام علی^۳ نازل شده است (ابوالعباس، بی تا: ۱۸).

مفسران اهل سنت نیز تنها مصداق اولیه آیه را علی بن ابی‌طالب^۶ دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۵: ۶ / ۳۸۸؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۲ / ۵۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۲ / ۷۴؛ سیوطی، بی تا: ۸۱). قریب به اتفاق اهل سنت، شأن نزول این آیه را

درباره جریان حاتم‌بخشی امام علی x دانسته‌اند، به گونه‌ای که این قول را شأن نزول اصلی آیه تلقی کرده‌اند. ابن عطیه‌اندلسی در این باره می‌نویسد: «هذا قول المفسرين و لكن اتفق ان علی بن ابی طالب اعطی صدقه و هو راکع» (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲/ ۲۰۹). ثعلبی نیز به عنوان یکی از مفسران معروف اهل سنت شأن نزول آیه ولایت را درباره انفاق انگشتر توسط امام علی x در حال رکوع می‌داند (ثعلبی، بی تا: ۷۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲/ ۳۹۶). محدثان بزرگ اهل سنت روایات بسیاری در این موضوع نقل کرده‌اند؛ از جمله این روایت پیامبر اکرم | که فرمودند: علی از من است و من از علی و او پس از من ولی هر مؤمنی است (ترمذی، ۱۴۰۳: ۲/ ۲۹۷؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۹/ ۱۲۸).

دیدگاه مخالفان آیه ولایت درباره ولایت امام علی x

برخی از مفسران عامه شأن نزول آیه را درباره امام علی منکر شده‌اند. نخستین کسی که با صراحت شأن نزول آیه درباره ولایت امام علی x را انکار کرد، ابن تیمیه (م ۷۵۸ق) بود (نजारزادگان، ۱۳۹۱: ۳۶). وی در این باره می‌گوید: «اجمع أهل العلم بالنقل علی أنهما لم تنزل فی علی بخصوصه و أن علیا لم يتصدق بخاتمه فی الصلاة و اجمع أهل العلم بالحديث علی أن القصة المروية فی ذلك من الكذب الموضوع» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۷/ ۱۱). فخر رازی در این باره قائل است: چون الفاظ این آیه جمع آمده است، اگر الفاظ جمع بر یک نفر اطلاق شود، مجاز خواهد بود و این‌گونه مجاز بودن صحیح نیست، زیرا اصل حمل کلام بر حقیقت است نه مجاز: «أنه تعالی ذکر المؤمنین الموصوفین فی هذه الآیة بصیغة الجمع فی سبعة مواضع و هی قوله وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ حمل أَلْفَاظِ الْجَمْعِ وَ إن جاز علی الواحد علی سبیل التعظیم لكنه مجاز لا حقیقه، و الأصل حمل الكلام علی الحقیقه» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/ ۳۸۴ - ۳۸۵). ذهبی نیز در ذیل نقد تفاسیر شیعه بحثی را با عنوان امامت علی x مطرح می‌کند و در آن آیاتی را که مفسران شیعه درباره ولایت امام علی x به آن استناد کرده‌اند نقد و بررسی می‌نماید و تفسیر آنان را در این باره تفسیر به رأی مذموم قلمداد می‌کند؛ از جمله آیات:

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)؛ «يا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷؛ ذهبی، ۱۳۹۶: ۲/ ۱۰۶ - ۱۰۷، ۱۶۹/۲)؛ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹).

نقد و بررسی

آیه شریفه به چند دلیل بر امامت امام علی[×] دلالت دارد:

اولاً: این آیه بنا بر اجماع شیعه و بر اساس روایات کثیری از اهل سنت، درباره امام علی[×] نازل شده است، به گونه‌ای که این روایات به حد تواتر می‌رسند. سید هاشم بحرانی در غایه المرام، ۲۴ حدیث از طرق اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طرق شیعه نقل می‌کند که سبب نزول آیه مزبور، ولایت امام علی[×] بوده است (بحرانی، ۱۴۲۲: ۲/ ۲۲-۵). حاکم حسکانی (عالم اهل سنت) در کتاب شواهد التنزیل این سبب نزول را از ۲۶ طریق روایت می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۰۹-۲۳۹). برخی از متکلمان اهل سنت ادعای اجماع کرده‌اند که آیه ولایت در حق امام علی[×] نازل شده است، افرادی مانند قوشچی حنفی در شرح تجرید، قاضی عضدالدین ایجی در شرح مواقف فی علم الکلام، میرسید شریف جرجانی در شرح مواقف و سعدالدین تفتازانی در شرح مقاصد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۱۲). جصاص در احکام القرآن روایت می‌کند: «روی عن مجاهد و السدی و ابي جعفر و عتبة بن ابي حكيم انها نزلت في علي بن ابي طالب حين تصدق بخاتمه و هو راع» (جصاص، ۱۴۰۵: ۴/ ۱۰۲). با این همه روایات چگونه ابن تیمیه آن‌ها را ساختگی می‌داند؟

ثانیاً: «والذین آمنوا»، همه مؤمنان را شامل نمی‌شود، زیرا در این صورت مولی و مولی‌علیه یکی خواهد شد که روایات فریقین نیز اثبات می‌کند که مراد از «وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» امام علی[×] است نه همه مؤمنین؛ از سوی دیگر، «ولی» در این آیه به معنای اولی در تصرف است که با معنای امام و خلیفه مترادف می‌باشد نه به معنای نصرت و محبت، زیرا همه مؤمنین ولایت در محبت و نصرت نسبت به یکدیگر دارند، در حالی که بر اساس تحلیل درون متنی آیه و روایات شأن نزول آن، ولایت در این آیه به خدا و رسول[|] و امام علی[×] اختصاص داده شده است. پس ناگزیر مراد از این ولایت برای امیرالمؤمنین[×] همان ولایتی است که در انحصار خدا و رسول[|] است و آن عبارت است از اولی در تصرف (طوسی، بی‌تا: ۳/ ۵۵۹ - ۵۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/ ۵-۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۳ - ۴۳۲؛ نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۲۶-۳۰).

ثالثاً: از آیه مذکور چنین استنباط می‌شود که اولیای مسلمانان سه کس هستند: خداوند، پیامبر اکرم[|] و مؤمنانی که دارای سه ویژگی هستند و غیر از این‌ها دیگران «مولی علیهم»، طرف دیگر ولایت و پذیرنده ولایت هستند.

این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه مراد از ولی، رهبر و تصرف کننده در شئون و امور مولی علیه باشد، زیرا این نوع ولایت است که ثبوت آن محتاج به دلیل خاص بوده و صرف ایمان برای آن کفایت نمی‌کند؛ به خلاف ولایت به معنای محبت و یاری کردن، زیرا این از فروع ایمان است و هر مؤمنی محب و یاور برادر مؤمن خود است. دو قرینه دیگر هم مؤید تفسیر ولایت به این معناست: یکی انحصار و اختصاصی که از کلمه «انما» فهمیده می‌شود و دیگری شأن نزول آیه در مورد امام علی[×]. این وجوه سه گانه آیه را به منزله نص در دلالت بر نظریه شیعه امامیه در مسئله امامت می‌گرداند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۳۳۰ - ۳۳۱). نکته حائز اهمیت اینکه بالاترین مرحله ولایت، ولایتی است که شامل شئون سیاسی، اجتماعی و حتی عبادی می‌شود. منظور از اینکه حضرت علی[×] کامل‌ترین مصداق این آیه است و آیه از ایشان آغاز شده این است که امیرالمؤمنین[×] در رأس قرار گرفته و دارای بالاترین ولایت می‌باشد که شامل شئون سیاسی، اجتماعی و دینی می‌شود (معرفت، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

رابعاً: از نکات مهم و قابل توجه درباره این آیه، احتجاج امیرالمؤمنین[×] به آیه ولایت در مواضع گوناگون است. در منابع مهم اهل سنت این احتجاج با اندک تفاوت مختصر در الفاظ این گونه بیان شده است:

انشدکم بالله اتعلمون حیث نزلت انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوٰه و یؤتون الزکاة و هم راکعون و ... امرالله عزوجل نبیہ ان یعلمهم و لاء امرهم و ان یفسر لهم من الولاية کما فسر لهم من صلاتهم و زکاتهم و حجهم فنصبني للناس بغدير خم (قندوزی، بی تا: ۱۱۴)؛ شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا می‌دانید هنگامی که آیه «انما ولیکم الله و ...» و آیات دیگر نازل شد خداوند پیامبرش را مأمور کرد که متولیان امور امت را به آنان معرفی کند و ولایت را برای امت توضیح دهد، همان طور که نماز، زکات و حج ایشان را برای آنان شرح داده است. به دنبال این مسائل رسول خدا^ص در غدیر خم مرا به امامت مردم نصب کرد.

این سخن امام علی[×] ناظر بر دو مطلب است: کلی گویی قرآن کریم و عدم ذکر نام ائمه^ع در قرآن و تبیین و تفسیر پیامبر اکرم^ص از این آیات و حجیت مطلق قول ایشان مانند قول خداوند متعال. در منابع دیگر اهل سنت نیز احتجاج امام علی[×] به این آیه در مواضع گوناگون بیان شده است (جوینی، ۱۳۹۸: ۱/۳۱۲؛ طبری، ۱۴۰۸: ۳/۲۹). در منابع شیعه نیز احتجاجات امیرالمؤمنین[×] به این آیه در مواقع گوناگون از جمله زمان خلفا بیان شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۹۷).

کوتاه سخن اینکه اکثر اندیشمندان فریقین در حوزه تفسیر و روایت بر این نکته اتفاق نظر دارند که آیه ولایت در شأن امام علی[×] نازل شده است و اثبات این نکته به خودی خود ولایت ایشان را پس از پیامبر اکرم[|] اثبات می‌نماید.

آیه دوم: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده / ۶۷)

از دیگر آیات مهمی که به صراحت به ولایت امام علی[×] می‌پردازد، آیه تبلیغ است. خداوند متعال در این آیه مبارک پیامبر اکرم[|] را مأمور به ابلاغ امر مهمی می‌کند. اهمیت این آیه از این حیث است که عدم ابلاغ مطلب مورد نظر، برابر با عدم انجام رسالت است. بی‌شک رسالت پیامبر اکرم[|] از چنان اهمیتی برخوردار است که هیچ چیزی نمی‌تواند از ارزش آن بکاهد. انجام وظایف الهی، ابلاغ وحی، تبیین وحی، هدایت مردم و... از مهم‌ترین وظایفی بود که نبی مکرم اسلام[|] آن‌ها را انجام داد. با این همه، در آیه تبلیغ امر مهمی نهفته است که عدم انجام و ابلاغ آن مساوی با عدم انجام رسالت بزرگ الهی است. تحلیل و تبیین مصداق تبلیغ در این آیه، آن مطلب مهم را مشخص می‌کند. مفسران و اندیشمندان شیعه و اکثر مفسران و اندیشمندان اهل سنت، این آیه را درباره ابلاغ ولایت امام علی[×] توسط پیامبر اکرم[|] می‌دانند. عیاشی در تفسیر خود از ابن عباس، جابر بن عبدالله، امام صادق[×] و امام باقر[×] از مورد نزول آیه مذکور در حجه‌الوداع درباره ولایت امام علی[×] احادیث متعددی نقل کرده است (عیاشی، بی‌تا: ۶۲ / ۲ - ۶۳). علی بن ابراهیم قمی نیز همین مضمون را با طرق گوناگون آورده است (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۷۱ - ۱۷۵؛ ۲ / ۲۰۱). مفسران دیگر نیز از شیعه همین مضمون را نقل کرده و شأن نزول آیه را پیرامون ابلاغ ولایت امام علی[×] می‌دانند و جریان غدیر خم و خطبه پیامبر اکرم[|] درباره جانشینی پس از خود را یادآور می‌شوند (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۰ - ۱۸۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۳ / ۱۴۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۶۶ - ۸۶).

علمای اهل سنت نیز درباره این آیه اقوال گوناگونی را ذکر کرده‌اند که در منابع مهم آن‌ها روایات متعددی درباره شأن نزول این آیه درباره اعلان ولایت امام علی[×] وجود دارد. سیوطی در تفسیر الدر المنثور روایتی با این مضمون نقل می‌کند: از حافظ ابوالقاسم از ابن عساکر شافعی به اسناد خود از ابی سعید خدری نقل می‌کنند که این آیه (تبلیغ) روز غدیر خم در شأن علی بن ابی‌طالب[×] نازل گردید (سیوطی، بی‌تا: ۲ / ۲۹۸). ابن ابی‌حاتم رازی از ابوسعید خدری چنین می‌آورد: نزلت هذه الآية «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» في علي بن

ابی‌طالب × (سیوطی، بی‌تا: ۳ / ۱۱۷). بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت همین مطلب را نقل کرده‌اند (شوکانی، بی‌تا: ۲ / ۶۰؛ آلوسی، بی‌تا: ۶ / ۱۷۲؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۲۵۰).

یکی از احادیث متواتر در منابع فریقین، حدیث غدیر است. (۲) که مورد اتفاق فریقین می‌باشد. به عبارتی حدیث غدیر نتیجه تبلیغ آیه تبلیغ است که پیامبر اکرم | دست امام علی × را بالا بردند و سه بار فرمود: هر کس که من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست. سپس برای دوستان علی دعا فرمود و دشمنان علی را نفرین کرد. سپس فرمود: هر کس شاهد و حاضر است این را به کسی که غایب است ابلاغ کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۳ / ۱۰۹؛ قندوزی، ۱۴۱۸: ۳۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۹۱). بسیاری از علمای اهل سنت به تواتر حدیث غدیر اعتراف نموده‌اند (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۰۷ - ۲۰۸). بنابراین، ارتباط وثیقی میان نص آیه تبلیغ و واقعه غدیر خم وجود دارد، به گونه‌ای که ثمره عملی آیه تبلیغ، واقعه غدیر خم و انتصاب امیرالمؤمنین × به عنوان جانشین پیامبر اکرم | است.

دیدگاه مخالفان آیه تبلیغ درباره ولایت امام علی ×

برخی از علمای اهل سنت محتوای آیه تبلیغ را درباره امام علی × نمی‌دانند، بلکه مصادیق دیگری برای آن بیان داشته‌اند. قرطبی سه دیدگاه در این باره بیان می‌دارد؛ از جمله: آشکارا انجام دادن تبلیغ، تبلیغ مطلب پیرامون زید و زینب، نرسیدن پیامبر از کسی و ابلاغ امر خداوند (قرطبی، ۱۳۸۷: ۶ / ۲۴۳). ابن کثیر مراد از تبلیغ را مطلق تبلیغ بیان داشته است (ابن کثیر، ۱۴۰۹: ۳ / ۱۲۳). ابن تیمیه نیز مصداق آیه را عام تلقی می‌کند و دلالت آن را بر ولایت امام علی × ناصحیح می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۷ / ۲۳).

نقد و بررسی

این آیه بر امامت امام علی × دلالت دارد، زیرا:

اولاً: بنا بر روایات سبب نزول آیه، موضوع مورد تبلیغ پیامبر | که خداوند امر به تبلیغ آن می‌کند، ولایت امیرمؤمنان × است.

ثانیاً: ولایتی که روایات متذکر آن هستند، به معنای ولایت در تصرف است نه به معنای دیگری، زیرا سوره مائده از جمله آخرین سوره نازل شده است که تا این هنگام موضوعات مهم دین از جمله توحید، نبوت، معاد،

نماز، جهاد و موضوعات مهم دیگر نازل شده بودند. آنچه تا به آن روز اعلان عمومی نشده بود و از مسلمانان بر آن پیمان و بیعت گرفته نشده بود، همان وصایت و جانشینی پیامبر اکرم| بود.

ثالثاً: تنها امری که عدم تبلیغ آن برابر بود با عدم تبلیغ همه رسالت پیغمبر| مسئله جانشینی آن حضرت بود، زیرا رسالت پیامبر| در صورتی امتداد می‌یابد که برای نبوت، جانشینی باشد تا قوام دهنده دین باشد. بنابراین، موضوع مورد تبلیغ در این آیه همان وصایت و خلافت امام علی[×] است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳/۲۷۳-۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۲؛ نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۴۳؛ ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۶۸-۸۲).

رابعاً: براساس دیدگاه مخالفان، محتوای تبلیغ عام است، در صورتی که این آیه در اواخر عمر پیامبر اکرم| نازل شده است. پس چگونه عام باشد در صورتی که چندین سال پیامبر اکرم| رسالت عمومی خویش را انجام داده‌اند؟ بنابراین، محتوا و سیاق آیه نه درباره زینب و زید و نه در موضوع دیگر است، بلکه سیاق و لحن آیه ابلاغ امر مهم را بیان می‌دارد که طبق روایات معتبر فریقین ولایت امام علی[×] می‌باشد.

آیه سوم: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳).

یکی از آیاتی که با مناقشه جدی بین فریقین روبه‌روست، آیه اکمال می‌باشد. از یک سو روایات فراوانی درباره شأن نزول این آیه درباره واقعه غدیر خم و ولایت امام علی[×] در منابع فریقین وجود دارد که مناقشه مورد بحث را رد می‌کند و از سویی دیگر مفسران اهل سنت با دیدگاه عدم توجه به روایات صحیح در مفهوم کلمه «الیوم» متفق القول نبوده و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند که البته حقیقت امر که اکمال دین و اتمام نعمت با نصب ولایت امام علی[×] است در میان این اقوال کم رنگ جلوه می‌کند. منابع شیعی بدون اختلاف، آیه اکمال را درباره اعلان ولایت امام علی[×] می‌دانند. زمانی که پیامبر اکرم| مصداق آیه تبلیغ را عملی فرمودند، پس از انتصاب امام علی[×] این آیه نازل گردید (رازی ابوالفتوح، ۱۴۰۴: ۲/۹۷؛ طبرسی، ۱۳۷۹: ۱/۳۱۲؛ حلی، بی تا: ۱۱۸). روایات متعددی در این باره نقل گردیده؛ از جمله: از امامان باقر و صادق[×] روایت است که این آیه هنگامی نازل گردید که پیامبر اکرم| در روز غدیر خم در حین بازگشت از حجة الوداع، علی[×] را برای مردم پیشوا ساخت. امام می‌فرماید: آخرین امر واجبی که خداوند نازل فرمود همین است، بعد از آن دیگر فریضه‌ای نازل نشد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳/۱۵۹). در جای دیگر امام صادق[×] در تفسیر آیه اکمال می‌فرماید: یعنی امروز کامل کردم دین شما را به برپاداشتن احکام آن و کامل کردم نعمتم را بر شما به ولایت ما اهل بیت و معنای اینکه اسلام را برای شما رضا دادم، تسلیم شدن در برابر امر ما اهل بیت[^] است (امینی، ۱۳۶۶: ۱/۲۳۴).

اما با این حال، برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه اشاره‌ای به واقعه غدیر نکرده‌اند (طبری، ۱۴۰۸: ۹۴/۶؛ فخر رازی، ۱۴۱۱: ۱۰۸؛ بیضاوی، بی تا: ۲۵۵/۱). این در حالی است که در منابع مهم اهل سنت روایات بسیاری دیده می‌شود که منطبق با دیدگاه شیعه است. از جمله حسکانی از ابن عباس این گونه نقل می‌کند: «لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ | عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِ خَمِ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ هَبْطَ جَبْرِئِيلُ بِهَذِهِ الْآيَةِ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۰۷ - ۲۰۸)؛ چون رسول الله | علی × را در غدیر خم به ولایت نصب کردند، جبرائیل بر ایشان این آیه را فرود آورد ... امروز دین شما را برایتان کامل کردم». سیوطی در تفسیر الدر المنثور این گونه نقل می‌کند: ابن مردویه از ابن عساکر از ابی سعید خدری نقل می‌کند: همین که رسول الله | در روز غدیر خم علی بن ابی طالب را منصوب نمود، برای علی × ندای ولایت سر داد و آنگاه جبرئیل نازل شد و آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» را برای پیامبر آورد (سیوطی، بی تا: ۲/۲۵۹). قریب به همین مضمون در دیگر منابع اهل سنت نیز به چشم می‌خورد (خوارزمی، ۱۴۱۱: ۱۳۵؛ خطیب بغدادی، بی تا: ۸/۲۹۰؛ ابن عساکر، ۱۴۰۰: ۲/۷۵). در برخی دیگر از منابع اهل سنت این آیه را مقدمه رویداد غدیر دانسته‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸: ۱۳۵؛ آلوسی، بی تا: ۶/۱۹۲).

دیدگاه مخالفان آیه اکمال درباره ولایت امام علی ×

برخی از اندیشمندان اهل سنت نزول آیه اکمال را درباره غدیر خم نمی‌دانند، بلکه مصادیق دیگری برای آن بیان داشته‌اند. از جمله زمخشری نزول آیه را در حجة الوداع و در عصر عرفه می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۰۶). بیهقی نزول آن را در روز ترویه می‌داند (بیهقی، بی تا: ۸/۲۱۸). ابن تیمیه بر این باور است که این آیه به هیچ وجه دلالتی بر علی و امامت وی ندارد، بلکه از کامل شدن دین و تمام شدن نعمت بر مؤمنان و رضایت از دین اسلام خبر می‌دهد (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۷/۵۵-۵۲).

نقد و بررسی

تحلیل درون متنی و برون متنی آیه اثبات می‌کند که مراد از اکمال دین و اتمام نعمت، امامت امام علی × است. اولاً: فقره مورد بحث از آیه سوم مانده: «الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» بر اساس آیات و روایات سوای از قبل و بعد خود است و ارتباطی با آن‌ها ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۶۷).

ثانیاً: آیه اکمال بنا بر اتفاق فریقین در حجة‌الوداع نازل شده است و دو تعبیر «الیوم» بر یک روز خاص یا دوره خاص دلالت دارد که بر اساس ظاهر آیه و شواهد روایی یک روز خاص است (نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۱۷۹ - ۱۸۱).

ثالثاً: برای این دو «الیوم» چهار ویژگی بیان شده است: روز یأس کافران، روز اکمال دین، روز اتمام نعمت و روزی که اسلام به عنوان دین مورد رضایت الهی قرار گرفت. حال با توجه به اینکه آیه مورد بحث در حجة‌الوداع نازل شده است، در این حج تنها اتفاق بزرگ غیر از واقعه غدیر، حج بزرگ مسلمانان است که این حج نمی‌تواند باعث یأس کفار شود. بنابراین، ویژگی‌های چهارگانه آیه را در واقعه غدیر باید جست. حال اگر گفته شود مراد از حدیث غدیر، معرفی امام علی[×] به عنوان محبوب مسلمانان بوده است، محبوبیت آن جناب نمی‌تواند ویژگی‌های چهارگانه آیه را شامل باشد. آنچه می‌تواند این ویژگی‌های آیه را در بر داشته باشد، نصب امام علی[×] به امامت و جانشینی پیامبر اکرم[×] است. زیرا کفار وقتی ببینند بعد از رحلت نبی[×] کسی هست که راه او را ادامه خواهد داد، دچار یأس و ناامیدی خواهند شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۶۸-۱۷۶؛ نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۱۸۱ - ۱۸۴؛ ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۸۴ - ۹۷).

رابعاً: اجماع روایات شیعه این است که آیه اکمال در حجة‌الوداع (برخی ناظر بر نزول در روز عرفه و برخی دیگر بر روز غدیر) و درباره ولایت امام علی[×] نازل شده است، و روایات بسیاری از اهل سنت نیز دلالت دارد بر اینکه این آیه در غدیر خم و درباره ولایت امام علی[×] نازل گشته است. چنین تحلیلی از آیه اکمال بیانگر این است که این آیه درباره امامت و وصایت حضرت امیر[×] نازل شده است.

آیه چهارم: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)

آیه تطهیر از مهم‌ترین آیات در عصمت امام علی[×] و اهل بیت[^] است. پی‌جویی مصداق اصلی واژه «اهل بیت» و نوع اراده در واژه «یرید» این مهم را اثبات می‌کند. روایات متعددی نقل شده که تنها مصداق اهل بیت را، پیامبر اکرم[×]، امام علی[×]، حضرت زهرا[ؑ] و حسنین[ؑ] معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸۷ - ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۳۹۷: ۳۵ / ۲۱۱). علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است؛ بیشتر آن‌ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۶ / ۳۱۱). ابن مردویه معتقد است به بیش از صد طریق روایت رسیده است که آیه تطهیر درباره محمد، علی، فاطمه، حسن و

حسین نازل شده است (ابن مردویه، ۱۴۲۲: ۳۰۱). همچنان که فیض کاشانی بر این باور است که روایات مربوط به نزول آیه تطهیر درباره پنج تن آل عبا، از طریق اهل سنت بیش از آن است که شمرده شود (فیض کاشانی، ۱۹۸۲: ۱۸۹/۴). شأن نزول این آیه در منابع شیعه پنج تن آل عبا^۱ است و اینکه نزول این آیه در خانه ام سلمه بوده که ایشان از پیامبر اکرم^۲ سؤال می‌کند: آیا من از اهل بیت تو نیستم؟ پیامبر اکرم^۲ می‌فرماید: تو بر خیر هستی، ولی اینان اهل بیت و خاندان من هستند (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸۷ - ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۳۹۷: ۳۵/۲۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۶۸؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۳۸۱؛ استرآبادی، ۱۴۱۷: ۵/۴۵۱؛ بحرانی، ۲۰۰۱: ۳/۲۰۱). در منابع اهل سنت، شأن نزول این آیه درباره پنج تن آل عبا بیان شده است. طبرسی این شأن نزول را از ابوسعید خدری نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۸۲: ۱۲/۶). صاحب مستدرک علی الصحیحین همین شأن نزول را از ام سلمه نقل می‌کند (۳) (نیشابوری، بی تا: ۲/۴۱۶).

در منابع دیگر اهل سنت نیز (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۲: ۳/۴۹۴؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۰۲: ۲۹۵؛ سیوطی، ۱۳۷۷: ۶/۶۰۳؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۲۱). قریب به همین مضمون نقل شده است. روایاتی دیگر در منابع اهل سنت نقل شده که مؤید این شأن نزول است. ترمذی از ام سلمه این گونه نقل می‌کند: پیامبر اکرم^۲ بر حسن، حسین، علی و فاطمه کسائی پوشاند، سپس گفت: خدایا، اینان اهل بیت و خواص من هستند، پلیدی را از آنان دور کن و آن‌ها را کامل پاک گردان. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا، آیا من نیز با آن‌ها هستم؟ پیامبر اکرم^۲ فرمود: همانا تو بر خیر و نیکی هستی (۴) (ترمذی، بی تا: ۵/۶۹۹). قریب به همین مضمون از عایشه نیز نقل شده است (نیشابوری، بی تا: ۲/۴۱۶). با وجود این روایات نظریات گوناگونی درباره مصادیق اهل بیت در این آیه بیان شده که برخی علاوه بر پنج تن، همسران پیامبر اکرم^۲ را نیز مشمول اهل بیت^۳ می‌دانند (رازی ۱۴۱۵: ۹/۱۶۸).

دیدگاه مخالفان آیه تطهیر

برخی از علمای اهل سنت آیه تطهیر را درباره پنج تن نمی‌دانند، بلکه مصادیق آن را وسیع تر تلقی می‌کنند و بر این باورند که همسران پیامبر^۲ نیز مشمول آیه تطهیر می‌باشند. آلوسی در تفسیر آیه تطهیر بر این باور است که منظور اهل بیت اصحاب کساء و همسران پیامبر اکرم^۲ هستند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۹۱). وی برای اثبات این مطلب که همسران پیامبر جزء اهل بیت هستند، بحث ضمائر موجود در آیه، یعنی «عنکم» و «یطهرکم» را طرح می‌نماید و تصریح می‌کند که ضمیر «کم» در هر دو مورد جایگزین و به معنای «کن» است که به دلیل لفظ مذکر «اهل» و مراعات لفظ به صورت مذکر «کم» آمده است (همان: ۱۹۴). ابن تیمیه مصادیق آیه تطهیر را منحصر به

اصحاب کساء نمی‌داند و بر این باور است که این آیه پیامبر| و همسران ایشان را نیز در برمی‌گیرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۷/۷۳). ذهبی در بررسی تفاسیر شیعه، این تفاسیر را نمونه‌ای از تفاسیر مذموم تلقی می‌کند و در بررسی برخی از آیات، مفسر را محکوم به تفسیر به رأی مذموم و عقیده فاسد معرفی می‌کند. از جمله در بررسی خود از تفسیر مجمع البیان، اعتقاد طبرسی را دربارهٔ مصادیق اهل بیت[^] و عصمت آن‌ها باطل می‌داند، وی طبرسی را به عنوان یکی از مفسران شیعه نقد می‌کند و هدف اصلی ایشان نقد و رد اعتقاد شیعه نسبت به مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر است. بر اساس باور ذهبی، دیدگاه شیعه نسبت به عصمت اهل بیت[^] ناصحیح است. کلام ذهبی حاکی از ترجیح اعتقاد اهل سنت دربارهٔ مصادیق اهل بیت است، همچنان‌که اعتقاد به عصمت اهل بیت[^] را عقیده فاسد بیان می‌کند (ذهبی، ۱۹۶۱: ۲/۱۱۰).

نقد و بررسی

آیه تطهیر فقط در شأن پیامبر اکرم|، امام علی x، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین x می‌باشد و دیگران را به هیچ وجه در بر نمی‌گیرد و از سویی دیگر عصمت مطلق ایشان را اثبات می‌کند، به دلایلی از جمله:

اولاً: روایاتی که در این زمینه نقل شده بسیار زیاد است که مصداق اهل بیت را پنج تن آل عبا معرفی می‌کند. شوکانی در این باره می‌نویسد: روایات معتبر بسیاری از راویان از جمله روایات ترمذی، ابن جریر، ابن منذر، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، بیهقی، ابن ابی حاتم و... بسیاری از علمای دیگر نقل شده که آیه تطهیر را منحصرأً شامل پنج تن آل عبا می‌شمرد و زنان پیامبر| را از شمول آیه خارج می‌سازد (شوکانی، ۱۳۸۳: ۴/۲۷۰). در منابع اهل سنت شأن نزول این آیه دربارهٔ پنج تن آل عبا[^] بیان شده است طبرسی این شأن نزول را از ابوسعید خدری نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۸۲: ۱۲/۶). صاحب مستدرک علی الصحیحین همین شأن نزول را از ام سلمه نقل می‌کند (۵) (نیشابوری، بی تا: ۲/۴۱۶). در منابع دیگر اهل سنت نیز (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۲: ۳/۴۹۴؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۰۲: ۲۹۵؛ سیوطی، ۱۳۷۷: ۶/۶۰۳؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۲۱). قریب به همین مضمون نقل شده است. روایاتی دیگر در منابع اهل سنت نقل شده که مؤید این شأن نزول است (۶) (ترمذی، بی تا: ۵/۶۹۹؛ نیشابوری، بی تا: ۲/۴۱۶؛ شوکانی، ۱۳۸۳: ۴/۲۷۰). علامه طباطبایی دربارهٔ روایات انحصار «اهل بیت» در پنج تن آل عبا[^] می‌نویسد: این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است؛ بیشتر آن‌ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۶/۳۱۱). ابن مردویه معتقد است به بیش از

صد طریق روایت رسیده است که آیه تطهیر درباره محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است (ابن مردویه، ۱۴۲۲: ۳۰۱). مراد از اهل البیت در آیه مبارکه فقط پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین^۱ می‌باشند (بیومی مهران، ۱۴۱۵: ۱/ ۲۶ - ۱۱). روایاتی از ام سلمه در منابع اهل سنت نقل شده که پیامبر اکرم^۲ به ایشان فرمود: «إنک علی الخیر» (ترمذی، بی تا: ۵/ ۶۹۹؛ نیشابوری، بی تا: ۲/ ۴۱۶). این روایات نظریه صدق اهل بیت درباره همسران پیامبر اکرم^۳ را نفی می‌کند.

ثانیاً: الف و لام در اهل البیت عهد است که اشاره به افراد خاصی از اهل بیت پیامبر^۴ دارد (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۱۳۵). هر نوع احتمال گسترش مصادیق اهل البیت، مستلزم مخالفت با اتفاق مسلمانان و یا نفی معهود بودن البیت است (طبرسی، ۱۴۱۵: ۸/ ۱۵۵).

ثالثاً: آیات بیست و نهم تا سی و چهارم سوره احزاب (به جز آیه تطهیر) درباره زنان پیامبر اکرم^۵ است و در تمام این آیات ضمایر مربوط به همسران پیامبر^۶ مؤنث آورده شده است (کتن، فتعالین، اتقین، قرن فی بیو تکن). اما هنگامی که به آیه تطهیر می‌رسد، لحن آیه تغییر می‌کند، به گونه‌ای که مخاطب نیز تغییر یافته است. از این رو، ضمایر مؤنث به مذکر تبدیل می‌شود. این دگرگونی در خطاب و تغییر لحن جز آن نیست که این آیه شریفه درباره گروهی غیر از همسران پیامبر نازل گردیده است، زیرا استناد ضمایر مذکر برای مؤنث جایز نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/ ۳۱۰؛ موحد ابطحی، ۱۴۰۵: ۲/ ۱۰). بنابراین، مصداق حقیقی و منحصر اهل بیت پنج تن آل عبا^۷ می‌باشند.

رابعاً: این آیه دلالت مطلق بر عصمت اهل بیت^۸ دارد. توضیح اینکه کلمه «رجس» در قرآن مصادیق گوناگونی دارد از جمله: شراب، قمار، بت (مائده: ۹۰)، ضلالت (انعام: ۱۲۵)، مردار، خون و گوشت خوک (انعام: ۱۴۵)، عذاب (اعراف: ۷۱)، اهل نفاق (توبه: ۹۵)، اوثان و بت‌ها (حج: ۳۰)، کفر و نفاق (توبه: ۱۲۵)، شک و تردید (یونس: ۱۰۰). الف و لام واژه «الرجس» در آیه تطهیر، الف و لام جنس است که همه موارد فوق و غیر آن از هر نوع پلیدی را در بر می‌گیرد؛ خواه ناپاکی ظاهری باشد، خواه باطنی، خواه از نظر طبع آدمی و یا به حکم عقل یا شرع یا همه این‌ها باشد (فتح‌الهی و ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۵۸).

واژه «یرید» نیز دال بر اراده تکوینی خداوند است نه تشریحی. اگر اراده تکوینی خداوند به چیزی تعلق بگیرد، بین مراد و اراده خدا هیچ فاصله‌ای وجود نخواهد داشت. اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینی به معنای توفیق و عنایت خاص است (معرفت، ۱۳۹۰: ۱۳۱ - ۱۳۰). علاوه بر این، از کلمه «إنما» که برای حصر آورده شده، دو

گونه حصر استفاده می‌شود: یکی اراده قطعی خداوند بر اینکه هرگونه پلیدی و گناه را از اهل بیت پیامبر| دور نماید و دیگری اینکه این عصمت و دوری از گناه و پلیدی انحصار در اهل بیت[^] دارد و دیگران را شامل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶ / ۳۰۹).

خامساً: علاوه بر اینکه مضمون آیه تطهیر دلالت مطلق بر عصمت اهل بیت[^] دارد. روایات معتبری از فریقین مؤید این مطلب است. پیامبر اکرم| فرمودند: من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین مطهر و معصوم هستیم (صدوق، بی تا: ۱ / ۶۴). حضرت در همین موضوع می‌فرماید: من و اهل بیت من از همه گناهان پاک و مطهر هستیم (طبرسی، ۱۳۸۲: ۹ / ۲۰۷). قریب به همین مضمون در روایات دیگری (شعیری، ۱۹۸۶: ۱۹؛ صدوق، بی تا: ۱ / ۵۷) نقل شده که همگی مؤید عصمت اهل بیت[^] هستند. در منابع اهل سنت نیز قریب به همین روایات نقل شده که مضمون همه آن‌ها عصمت اهل بیت[^] را گواهی می‌دهد (سیوطی، ۱۹۹۳: ۶ / ۶۰۶ - ۶۰۵؛ جوینی، ۱۹۸۰: ۲ / ۱۳۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۹۹۹: ۹ / ۳۱۳۳؛ دیلمی، ۱۴۰۶: ۱ / ۵۴). بنابراین، دلالت آیه تطهیر بر پنج تن آل عبا[^] و عصمت آنان تام است.

نتیجه

بر اساس مطالب پیش گفته، مهم‌ترین رهیافت‌های مقاله را می‌توان در موارد زیر فهرست نمود:

۱. در آیات متعدد قرآن به اصل ولایت و امامت و جانشینی پس از پیامبر اکرم| اشاره شده است و پیامبر اکرم| در مواضع گوناگون به تفسیر این آیات پرداخته و در حساس‌ترین زمان‌ها و مکان‌ها جریان ولایت امام علی^x و امامان پس از ایشان را به امر خداوند به همگان ابلاغ فرموده است.

۲. آیه ۵۵ سوره مائده، معروف به آیه ولایت، به صراحت به ولایت امام علی^x اشاره می‌کند. نکته حائز اهمیت در تفسیر آیه، تعیین مصداق «الذین امنوا» است که بر اساس روایات متعدد و منابع تاریخی فریقین، مراد از «الذین امنوا» امام علی^x می‌باشد. انحصار و اختصاصی که از کلمه «انما» فهمیده می‌شود این است که همه مؤمنان ولی و سرپرست نیستند، بلکه این انحصار اختصاصی است که طبق روایات معتبر این اختصاص ویژه امام علی^x است. از سویی دیگر امام علی^x در اثبات حقانیت خود بر جانشینی پس از پیامبر اکرم| به این آیه مبارک احتجاج فرموده‌اند. در منابع معتبر فریقین شأن نزول و روایات متعددی در این باره نقل شده است.

۳. میان آیات: تبلیغ، اکمال و آیه یک سوره معارج پیوند معناداری وجود دارد. تحلیل و بررسی تفسیری این آیات، مؤید تفسیر قرآن به قرآن است. آیه تبلیغ، ابلاغ امر مهمی را به پیامبر اکرم| دستور می دهد که عدم اجرای آن برابر با انجام ندادن رسالت تلقی می شود. پیامبر اکرم| به عنوان اسوه حسنه بشریت تابع مطلق امر خداوند می باشد که دستور خداوند متعال را انجام می دهد و این دستور همان ابلاغ ولایت و جانشینی امام علی x و ائمه پس از ایشان است. با توجه به روایات منقول از فریقین، با نصب امام علی x به عنوان جانشین پیامبر اکرم| آیه تبلیغ به مرحله ظهور می رسد و با ابلاغ این امر اکمال دین و اتمام نعمت نمود عملی پیدا می کند و در تأیید این موارد معجزه غدیر خم و طلب عذاب حارث فہری اتفاق می افتد. میان این سه آیه پیوند مرحله ای و تکمیلی وجود دارد.

۴. عصمت امام علی x و برتری ایشان بر سایر صحابه در آیه تطہیر بیان شده است، به گونه ای که آیه تطہیر عصمت امام علی x و به فراخور آن استحقاق تام ایشان در جانشینی پیامبر اکرم| را اثبات می نماید.

۵. خداوند در زمینه ولایت و جانشینی پس از پیامبر اکرم| حجت را بر بندگان تمام کرد و پیامبر اکرم| نیز تمامی اوامر الهی را در زمینه ولایت امام علی x به طور جامع ابلاغ فرمودند. خداوند متعال ولایت را نعمت بزرگی برای بندگان قرار داده تا به وسیله آن به قرب الهی نائل گردند و سعادت دنیا و آخرت نصیب آنها شود. نکته آخر اینکه بحث علمی و بدون تعصب درباره امامت و ولایت و جانشینی پس از پیامبر اکرم| می تواند مهم ترین و اساسی ترین نقطه عطفی تلقی گردد که همه اختلافات مذهبی به وسیله آن از بین برود و همه در زیر پرچم ولایت طریق الهی را بپیمایند و به سعادت دنیا و آخرت رهنمون گردند.

- (۱). اشاره به آیه تبلیغ «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷).
- (۲). تعداد احادیث متواتر بسیار نادر است. در تعریف حدیث متواتر آورده اند: متواتر خبر گروهی است که به خودی خود قطع به درستی آن حاصل شود. یا اگر افراد و سلسله خبر در هر طبقه ای به اندازه ای برسد که توافق آنان بر دروغ ایمن شود، چنین خبری متواتر است (صدر، بی تا: ۹۸).
- (۳). حاکم نیشابوری درباره این روایت می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجاه» (نیشابوری، بی تا: ۴۱۶/۲).
- (۴). ترمذی ذیل این روایت می نویسد: «هذا حدیث حسن و هو أحسن شیء روی فی هذا الباب» (ترمذی، بی تا: ۶۹۹/۵).
- (۵). حاکم نیشابوری درباره این روایت می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجاه» (نیشابوری، بی تا: ۴۱۶/۲).
- (۶). ترمذی ذیل این روایت می نویسد: «هذا حدیث حسن و هو أحسن شیء روی فی هذا الباب» (ترمذی، بی تا: ۶۹۹/۵).

کتابنامه

قرآن کریم.

آلوسی، شهاب الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر العظیم و سبع المثانی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی &، ۱۴۰۴ق.

ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، المکتبه المصریه، ۱۹۹۹.

ابن حنبل، احمد، مسند، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۴ق.

ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی تا.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم، بیدار، ۱۴۱۰ق.

ابن عساکر، علی، ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، بیروت، ۱۴۰۰ق.

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.

ابوالعباس، احمد بن ابراهیم، المصابیح، بی جا، مؤسسۀ الامام زید بن علی، بی تا.

استر آبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، مؤسسۀ النشر السلام، ۱۴۱۷ق.

امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، بیروت، مؤسسۀ التاريخ العربی، ۲۰۰۱.

_____ عمدۀ النظر، قم، انتشارات دارالجللی، ۱۴۱۷ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ق.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، تفسیر بیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

- بيومي مهران، محمد، الإمامه و اهل البيت، بيروت، مركز الغدير، ١٤١٥ ق.
- ترمذى، محمد بن عيسى، سنن ترمذى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٣ ق.
- ثعالبي، عبدالرحمن، جواهر الحسان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ ق.
- ثعلبى، ابواسحاق احمد، الكشف و البيان (تفسير ثعلبى)، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق.
- جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ ق.
- جوينى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين، بيروت، مؤسسه المحمودى، ١٣٩٨ ق.
- حاكم حسكاني، ابوالقاسم عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر، چاپ اول، ١٤١١ ق.
- حاكم نيشابورى، مستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
- حر عاملى، محمدحسن، وسائل الشيعه، تهران، مكتبه الاسلاميه، ١٣٨٣ ق.
- حكيم، سيد محمدتقى، الأصول العامه للفقه المقارن، بيروت، مؤسسه اهل بيت^١ للطباعه و النشر، الطبعة الثانية، ١٩٧٩.
- حلى، نهج الحق و كشف الصدق، قم، مؤسسه دار الهجرة، ١٤٠٧ ق.
- حلى، حسن بن يوسف، منهاج الكرامه فى معرفه الامامه، مشهد، مؤسسه عاشورا، بى تا.
- خطيب بغدادى، احمد، تاريخ بغداد، بى تا، بى تا.
- خطيب شربينى، محمد بن احمد، تفسير القرآن الكريم، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٥ ق.
- خوارزمى، موفق، مناقب على بن ابى طالب^٢، تحقيق: مالك محمودى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١١ ق.
- دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن دارمى، نشر استانبول، ١٤٠١ ق.
- ديلمى، ابو شجاع شيرويه، الفردوس بمأثور الخطاب، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٦ ق.
- دينورى [ابن قتيبة]، عبدالله بن مسلم، تاويل مختلف الحديث، بى جا، المكتب الاسلامى - مؤسسه الإشراف، الطبعة الثانية، ١٩٩٩.
- ذهبى، محمدحسين، التفسير و المفسرون، مصر^٣ دارالحديثيه، ١٣٩٦ ق.
- _____ تذكرو الحفاظ، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٣٧٤ ق.

- رازی، ابوالفتح، تفسیر روح الجنان، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- راوندی، قطب الدین، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۰۴۵ق.
- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- رضوانی، علی اصغر، امام شناسی و پاسخ به شبهات (امامت در آیات)، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶.
- زرنندی حنفی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطین، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین x، ۱۳۷۷ق.
- زمخشری خوارزمی، ابی القاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، دارالفکر الاسلامیه، ۱۹۷۷.
- سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۸۹.
- سبط ابن الجوزی، یوسف، تذکره الخواص، بیروت، مؤسسه اهل بیت ^، ۱۴۰۱ق.
- سیوطی، جلال الدین، تفسیر الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، تحقیق أبو عبیده مشهور بن حسن، بی جا: دار ابن عفان. الطبعة الاولى، ۱۹۹۷.
- شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین، المراجعات، ترجمه استاد محمد جعفر امامی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۳.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ق.
- صدر، حسن، نهایه الدرایه، تصحیح ماجد غرباوی، قم، بی نا، بی تا.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
- طبری، ابن جریر رستم، دلائل الامامه، قم، انتشارات بعثت، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
- _____ جامع البیان، بیروت، دارالمعرفه: ۱۴۰۸ق.

طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تفسر تبيان، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۰۹ق.

_____ الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

علم الهدی، سيد مرتضی، الشافی فی الامامه، تهران، انتشارات مؤسسه الصاد، ۱۴۱۰ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

فتح الهی، ابراهیم، ذولفقاری، شهورز، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران، انتشارات نگاهي ديگر، ۱۳۸۷.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الأحكام القرآن، قاهره، ۱۳۸۷ق.

قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، بیروت، دار المرتضی، ۱۳۵۵.

قندوزی حنفی، شیخ سلیمان، ینایع الموده، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۸ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.

کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.

متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

معرفت، محمدهادی، پرتو ولایت، تدوین: مجتبی خطاط، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۹۰.

مفید، محمد بن محمد، تفسیر القرآن المجید، قم، مرکز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۱۴ق.

مناوی، زین الدین عبدالرئوف، فیض القدير شرح الجامع الصغير، قاهره، المکتبه التجاریه الكبرى، ۱۳۵۶ق.

موحد ابطحي، سيد علی، آیه تطهير در احاديث فريقين، قم، مطبعه سيد الشهداء، ۱۴۰۵ق.

نسایي، سنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.

A Comparative Study of Interpretation of the Most Important Verses Concerning Guardianship of Imam Ali from Sunni and Shiite Perspectives*

Ali Reza Tabibi **

Asghar Tahmasbi Baldaji ***

Muhammad Taymoori ****

Abstract

The issue of succession to the Prophet (S) has been one of the most important and highly contentious theological – ideological issues among Muslims from the early period of Islam as of today. Scholars from various Islamic sects have resorted to different arguments to prove their beliefs in this regard. Shiite scholars, however, are of the view that the Quran which is common to all sects and denominations and the most authoritative source, has stated certain facts in a general but firm way. Therefore, Allah, the Exalted, revealed verses concerning the succession to the Prophet (S) after his demise. In this respect, we can give the example of verses such as the verses of *Wilayah*, *tabligh* (delivering the message), perfection of religion, malediction (*mubahalah*), purification, seven proofs, chapter al-Ma'arij and other verses. According to Shiite sources and some of the most important Sunni sources, the aforesaid verses were revealed about Imam Ali, peace be upon him. The present article seeks to comparatively study and critically assess the most important verses concerning the guardianship of the Commander of the Faithful, Ali (AS).

Keywords: Holy Quran, narrations, verses of *wilayah*, the two branches of faith, Imam Ali (AS).

* Date of submission: 30/10/2015 Date of acceptance: 30/12/2015.

* Assistant profess of Quran and hadith sciences, the University of Arak (a-tabibi@araku.ac.ir).

* PhD student, Quran and hadith sciences, the University of Arak (tahmasebiasghar@yahoo.com).

** PhD student, Quran and hadith sciences, the University of Arak (phd.m.teymoori@gmail.com).